

نقد و بررسی مبانی فکری خانواده مُدرن با استمداد از آیات قرآن و روایات

مریم گرمرودی^(۱)؛ احد داوری^(۲)

چکیده

خانواده‌ی کی از نهادهای اصیل و یک واحد کوچک اجتماعی است که محل آسایش و آرامش جسم و روان آدمی به شمار می‌آید و نیازهای اساسی انسان در آن تأمین می‌شود. خانواده جزئی از جامعه است و هر بحرانی که جامعه را فراگیرد، خانواده را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد، خانواده‌ی مُدرن خانواده‌ای است که تحت تأثیر فرهنگ مُدرنیت قرار گرفته؛ مبانی فکری آن را پذیرفته و دچار آسیب‌های فراوان شده است که از آن جمله می‌توان به انزوای از جمع خانواده، تجاری شدن روابط میان اعضای خانواده، تغییر جایگاه و وظایف زن و مرد، فرزندسالاری، توجه بیش از حد به علوم تجربی، مصرف‌گرایی، لذت‌گرایی و اشتغال زنان بدون محدودیت و... اشاره کرد. با توجه به آیات قرآن و روایات مبانی فکری خانواده‌ی مُدرن مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد. راه‌کارهای موجود در آیات و روایات به جنبه‌های مختلف تعامل میان اعضای خانواده توجه دارد، می‌توان به راه‌کارهایی همچون خدامحوری به جای خودمحوری، تعیین جایگاه زن، مرد و فرزند در خانواده، توجه ویژه به فراگیری علوم الهی، اعتدال در مصرف، اعتدال در لذت و... اشاره کرد. راه‌کارهایی که خانواده‌ی مُدرن یا آن را نادیده می‌گیرد و یا به صورت افراطی در جهت عکس آن عمل می‌کند.

کلیدواژه‌ها: خانواده‌ی مُدرن، مدرنیت، آیات قرآن، روایات

مقدمه

خانواده از ارکان مهم جامعه محسوب می‌شود؛ به همین دلیل، دستیابی به جامعه‌ی سالم در گرو سلامت خانواده خواهد بود. فرهنگ مدرنیت به توجه به گسترش رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و سایر وسایل ارتباط جمعی به تدریج در افکار خانواده‌ها نفوذ می‌کند و مبانی فکری آنها را تغییر می‌دهد، هم‌اکنون مشاهده می‌شود جوانان بدون آنکه متوجه شوند، مبانی فکری آن‌ها را پذیرفته‌اند که آن مبانی شامل فردگرایی و انزوای از جمع خانوادگی، علم‌گرایی و ماده‌گرایی می‌باشد و هرکدام از این مبانی منجر به آسیب‌هایی در خانواده و به تبع آن در اجتماع شده است. در بخش‌هایی از کتاب‌های مربوط به سکولاریسم و مقاله‌ی سه معضل بنیادی جامعه‌ی مُدرن (تیلور، ۱۳۸۴) مبانی فکری مُدرنیسم مطرح شده است و در کتاب اخلاق سکولار (سربخشی، ۱۳۸۸) این مبانی فکری توسط نویسنده نقد و بررسی شده است؛ اما تاکنون این مبانی با توجه به آیات و روایات مورد نقد و بررسی قرار نگرفته است؛ بنابراین در این مقاله با توجه به آیات و روایات مبانی فکری خانواده‌ی مُدرن مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد؛ آیات و روایاتی که جنبه‌های مختلف تعامل میان اعضای خانواده را تبیین می‌کند که از آن جمله می‌توان به خدامحوری به جای خودمحوری، فراگرفتن علوم دینی و رسیدن به کمال عقلی، اعتدال در مصرف و اعتدال در لذت اشاره کرد. این مقاله که به صورت توصیفی-تحلیلی نوشته شده، به دنبال پاسخ به این دو پرسش است: مبانی فکری خانواده‌ی مدرن و پیامدهای ناشی از آن چیست؟ در آیات قرآن و روایات چه راه‌کارهایی برای رسیدن به خانواده‌ی مطلوب ارائه

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته علوم قرآنی دانشکده علوم قرآنی مراغه، gzahra1390@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم؛ ahaddavari@gmail.com

شده است؟

۱- مفهوم‌شناسی

۱-۱- مدرن، مدرنیته، مدرنیسم^(۱):

واژه‌ی مُدرن، به معنای نو، جدید، امروزی و جدید است (عمید، ۱۳۶۰: ۱۷۸۰) اصطلاح مدرنیته و مدرنیسم از این واژه اقتباس شده است. اصطلاح مدرنیته نخستین بار در آثار «ژان ژاک روسو» در قرن ۱۸ به کار رفت و بعد از وی در آثار بسیاری از نویسندگان آن عصر متداول گشت.

مدرنیسم وجهه‌ای ایدئولوژیک دارد و در یک معنای عام، می‌توان آن را فرهنگ و فلسفه‌ی تمدن مدرن به شمار آورد (سربخشی، ۱۳۸۸: ۲۲۴). مدرنیسم را نماد اندیشه‌ها و شیوه‌های نوین می‌نامند که جایگزین اندیشه‌ها و شیوه‌های رایج در تمدن سنتی می‌شود (فرهنگ واژگان آکسفورد، ۱۳۷۷: ۸۲۰).

مدرنیته در اصطلاح عبارت است از نوعی حالت و کیفیت، ویژگی و تجربه مدرن یا دوره مدرن، که بیانگر تازگی، بداعت و نو بودن زمان حال به عنوان گسست یا انقطاع از گذشته است. نقطه مقابل مدرنیته، گذشته گرایی، کهنه پرستی، رکود، عقب افتادگی، قدیمی بودن و ... می‌باشد. مدرنیته را بیشتر ناظر به ساختار اجتماعی-فرهنگی می‌دانند و آن را پدیده‌ای زمانمند به حساب می‌آورند، مدرنیته با مدرنیسم فرق دارد. (سربخشی، ۱۳۸۸: ۲۲۴)

ویژگی مدرنیته این نیست که از هر چیز نو به خاطر نو بودنش استقبال می‌شود؛ چرا که در نظامهای سنتی هم، چنین واکنش کم و بیش وجود دارد؛ بلکه ویژگی مدرنیته فرض بازاندیشی در همه چیز و انکار هر چیز سنتی است؛ این باز اندیشی همه‌ی عرصه‌های زندگی بشری را دربرمی‌گیرد؛ در نتیجه هرچه رنگ و بوی سنتی دارد کنار گذاشته، و آنچه تازه است پذیرفته می‌شود. بدین صورت، دین و اخلاق دینی به منزله‌ی چیزی سنتی کنار می‌رود و دین‌های خودساخته و اخلاق سکولار^(۲) (به کسی یا چیزی می‌گویند که علقه‌ای به امور مذهبی ندارد و همه‌ی نیازمندیهای خود را از علوم تجربی، عالم ماده و عقل خودبنیاد تأمین می‌کند). جانشین آن می‌شود. می‌توان سکولاریسم و مدرنیسم را لازم و ملزوم یکدیگر دانست، چرا که در جامعه‌ی مدرن، اخلاق سکولار حاکم است (سربخشی، ۱۳۸۸: ۲۹ و ۲۲۵).

۱-۲- خانواده:

خانواده در لغت به معنای اهل خانه، زن و فرزند و فامیل است و در اصطلاح، واحد اجتماعی که شامل پدر و مادر و فرزندان آنهاست و گاه به معنای وسیعتر بستگان نزدیک را نیز جزو خانواده به شمار می‌آورند (عمید، ۱۳۶۰: ج ۱: ص ۱۷۸۰). خانواده در شکل مُدرن آن شامل پدر، مادر و گاهی فرزند است، اما خانواده‌ی سنتی گسترده‌تر از خانواده‌ی مدرن بوده و علاوه بر پدر، مادر، فرزند، شامل پدر بزرگ و مادر بزرگ نیز می‌شود (سروی زرگر، ۱۳۹۰: ص ۳۹).

۱. modern - modernism - modernity .

۲. secular .

۲- مبانی خانواده‌ی مُدرن:

خانواده‌ی مُدرن مبانی‌ای را برای خود ارائه می‌دهد که مهم‌ترین آن‌ها شامل: فردگرایی، علم‌گرایی و ماده‌گرایی است.

۱-۲- فردگرایی:

در این شیوه‌ی تفکر، فرد از هر لحاظ بر جامعه مقدم می‌شود و فرد واقعی‌تر از جامعه است، از این رو حقوق و خواسته‌های او به لحاظ اخلاقی بر حقوق و خواسته‌های جامعه مقدم می‌شود. (مریجی، ۱۳۸۲: ص ۷۶) فردگرایی در حوزه‌های گوناگونی نفوذ کرده که حوزه‌ی ارزش و اخلاق از مهمترین آنهاست. بنا بر مذهب اصالت فرد، هیچ نهاد و قدرتی غیر از خود فرد حق قانون‌گذاری و تعیین ارزش اخلاقی را برای او ندارد. خدا و باورهای مذهبی نیز از این قاعده مستثنا نیستند و انسان است که تصمیم می‌گیرد چه ارزشها و هنجارهایی را ارزش‌های اخلاقی خود برگزیند و به آن پایبند باشد. (سربخشی، ۱۳۸۸: ۲۵۳-۲۵۴)

به نظر می‌رسد فردگرایی دارای آسیب‌های خانوادگی و اجتماعی است که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف- خودخواهی‌های فردی و انزوای از خانواده:

پشت کردن به منافع جمعی از پیامدهای منفی فردگرایی است. فردگرایی باعث تجاری شدن روابط بین انسانها می‌شود و علاقه و هويت مشترک بین خانواده را از بین می‌برد. در جوامعی که سنت بیشتر افراد، فردگرایی است؛ پیوندهای عاطفی، سنتی و مذهبی از هم می‌گسلد. روابط تنها بر پایه‌ی سود شخصی، آن هم در بُعد مادی‌اش تنظیم می‌شود و همین امر خلأ عاطفی و بحران روحی برای انسان در پی می‌آورد (آربلاستر، ۱۳۶۷: ص ۲۸ و ۵۴).

ب- تغییر جایگاه و روابط زن و مرد:

هنریش ریل، از بنیان‌گذاران جامعه‌شناسی خانواده در قرن نوزدهم، معتقد است که زیربنای جامعه در خانواده شکل می‌گیرد، برای بقای خانواده، تقسیم کار و تقسیم نقش‌ها ضرورت دارد و تقسیم نقش‌ها نظام سلسله‌مراتبی را می‌پذیرد. نظام سلسله‌مراتبی با طبیعت زنانه و مردانه هماهنگ است. طبیعت مرد به مدیریت و طبیعت زن به مدیریت پذیری متمایل است. (مهدوی، ۱۳۸۳: ۳۵) اما مدرنیسم با ویژگی‌هایی که داشت، ساخت و شکل خانواده را تغییر داد. این تغییرات منجر به تغییر کارکرد خانواده نیز شد.

تا پیش از مدرنیته، نظم موجود در خانواده و اجتماع امری طبیعی و صحیح به شمار می‌آمد. اقتدار مرد و اطاعت از او، تنها شیوه‌ی موجه زندگی خانوادگی بود. اما مدرنیته نظم گذشته را زیر سؤال برد. در این بین زنان با این سؤال مواجه هستند که چرا زنان ملزم به اطاعت از مردان هستند؟ (رودگر، ۱۳۸۸: ۳۸)

ج- فرزندسالاری:

فرزندسالاری نوعی شیوه‌ی فرزندپروری است که در آن، فرزندان با توجه به آزادی مطلق که بر خانواده حاکم است، بر خانواده مسلط می‌شوند و می‌کوشند دیدگاه‌های خود را بر خانواده تحمیل کنند و به خواسته‌های منطقی و غیرمنطقی خود برسند (بافکار، ۱۳۹۰: ۴۵). متأسفانه با پیشرفت مدرنیته و رواج شیوه‌های نادرست فرزندپروری در جامعه، فرزندان در برخی خانواده‌ها نه تنها نقش سازنده‌ای ندارند، بلکه ویرانگر و دردسرسازند. برای پدر و مادر دشوار است که فرزندان در خانه، حاکمی زیاد خواه باشند. از این رو جایگاه خود را به عنوان سرپرست خانواده ناپایدار می‌بیند و همین امر آرامش و آسایش خانواده را بر هم می‌زند. آنها نمی‌توانند بپذیرند که دوره‌ی احترام به والدین از بین رفته و فرزندان حاضر نیست به ارزش‌های پاک آنها احترام بگذارد. همچنین برایشان شگفت آور است که فرزندان به آنها به چشم ماشین پول‌ساز می‌نگرد که وظیفه دارند به هر روشی بستر رفاه و آسایش بیشتر را فراهم آورند و هیچ

شکوه‌ای نداشته باشند.

۲-۲- علم‌گرایی:

از دیگر مبانی فکری مُدرنیسم، می‌توان به علم‌گرایی اشاره کرد؛ البته علم مورد نظر، دانش تجربی است، نه مطلق معرفت و آگاهی (شاکرین، ۱۳۸۷، ج: ۱، ص: ۵۴). افراط در علم‌گرایی را می‌توان ثمره‌ی جمود ارباب کلیسا در ظاهر آیات کتاب مقدس دانست که منجر به محاکمه‌ی گالیله شد. همین مسأله سبب شد علم‌گرایان به دلیل جلوگیری دین از پیشرفت و تمدن خواهان حذف آن شوند (قدردان قراملکی، ۱۳۷۹: ص: ۸۵).

۲-۳- ماده‌گرایی:

از دیگر مبانی مُدرنیسم، توجه ویژه به ماده و نفی معناست. سکولارها با اصالت دادن به علم‌گرایی و افراط در پذیرفتن داده‌های حسی و در پی آن انکار هر آنچه تجربه‌ناپذیر است، به عبارت دیگر مابعدالطبیعیه، عالم آخرت و امور ماورایی را انکار می‌کنند (سربخشی، ۱۳۸۸: ص: ۲۳۷) اصالت دادن به جسم مادی، امیال مادی باعث آسیب‌هایی در خانواده می‌شود که شامل موارد زیر است:

الف- مصرف‌گرایی: سبک زندگی مدرن مبتنی بر مصرف‌گرایی است و تصویر کنونی از زندگی مدرن، زندگی تجملاتی و مصرفی است. در واقع کالا به عنوان «متن» و خانواده به عنوان «حاشیه» تصویر شده است و تصویر خانواده‌ی مدرن از خوشبختی، مصرف‌کالای بیشتر است. (سروی زرگر، ۱۳۹۰: ص: ۳۸)

ب- اشتغال زنان بدون محدودیت و بدون توجه به ضرورتها، تعدد مشاغل آقایان: در زندگی مُدرن، زن و مرد برای تأمین امیال مادی و داشتن زندگی تجملاتی که به عنوان هدف اصلی خانواده ترسیم شده است، باید کار کنند. (وثوقی، ۱۳۸۳: ص: ۱۸۷)

ج- لذت‌گرایی: در خانواده‌ی مدرن، انسان موجودی بریده از عالم بالا و محصور در زندگی مادی و جسمانی است، بنابراین خود او و لذت‌های جسمانی‌اش ملاک خیر تلقی می‌شود (سربخشی، ۱۳۸۸: ص: ۲۷۱). هرچیزی که لذت دارد ارزش است.

۳- نقد فردگرایی با توجه به آیات قرآن و روایات

۳-۱- خدا محوری به جای خودمحوری:

در زندگی مُدرن، اصل و محور خود انسان و سود و زیان شخصی اوست و تمام ارزش‌ها با توجه به امیال فردی تعریف می‌شود (سربخشی، ۱۳۸۸: ۲۵۳-۲۵۴)، اما در زندگی اسلامی، اصل و محور خداوند و آنچه مورد رضای خداوند باشد، مقصد مومنین است (امام خمینی، ۱۳۸۶: ۷۸) در آیات قرآن نیز والاترین هدف پرهیزگاران، جلب رضایت خداوند معرفی شده است.^(۱) که این طرز تفکر ثمرات زیر را دربردارد:

الف- توجه به منافع خانواده و گذشت از خواسته‌های خود برای تحکیم نهاد خانواده و اجتماع: در آیه‌ی (وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ ذِي الْقُرْبَىٰ ...؛ (بقره/۸۳)) «و (به یاد آورید) زمانی را که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خداوند یگانه را پرستش نکنید؛ و به پدر و مادر و خویشاوندان و... احسان کنید و...» ابتدا بر خدا محوری تأکید شده و سپس به اتحاد

۱. (إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى)؛ (لیل/۲۰) «بلکه تنها هدفش جلب رضای پروردگار بزرگ اوست.»
(وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ اللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ)؛ (بقره/۲۰۷) «بعضی از مردم جان خود را به خاطر خشنودی خدا می‌فروشند؛ و خداوند نسبت به بندگانش مهربان است.»

و الفت میان اعضای خانواده و اجتماع اشاره می‌کند. «اتحاد میان اعضای اجتماع، در صورتی امکان دارد که هر کس نسبت به پدر و مادر خود که شعاع بستگی آن‌ها نسبت به وی نزدیکتر است، و در مرحله بعد نسبت به خویشاوندان و بعد از آنها نسبت به تمام افراد اجتماع نیکی به خرج دهد تا همه بال و پر یکدیگر باشند مخصوصاً افراد ضعیف را تحت حمایت قرار دهند تا در دامان دشمن نیفتند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱/ص ۳۳۴).

در روایتی از پیامبر ﷺ بر خورد خوب با خانواده عامل هم‌نشینی با حضرت در قیامت معرفی شده است^(۱) (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۶۸/ص ۳۸۷/باب ۹۲/حدیث ۳۴). در روایتی دیگر از آن حضرت آمده: «بهترین مؤمن کسی است که اخلاقش بهتر باشد و نسبت به خانواده‌هاش مهربان باشد و من مهربانترین از میان شما نسبت به خانواده‌ها هستم.»^(۲) (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۶۸/ص ۳۸۷/باب ۹۲/حدیث ۳۴). علاوه بر این، اعضای خانواده بهتر است برای حل مشکلات یکدیگر سعی کنند؛ امام رضا ۷ در این باره می‌فرماید: «هرکس در کار مؤمنی گشایش ایجاد کند، خداوند در روز قیامت در قلب او گشایش ایجاد می‌کند»^(۳) (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲/ص ۲۰۰/باب تفریح کرب .../حدیث ۴).

ب- تعیین حقوق و وظایف زن و مرد: در اسلام زن و مرد حقوق ویژه‌ای نسبت به‌ی یکدیگر دارند. عدم شناخت این حقوق باعث ایجاد مشکلات و آسیب‌هایی در خانواده و اجتماع می‌شود، به همین منظور وظایف همسران نسبت به‌ی یکدیگر را در این بخش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

-وظایف مشترک: ابتدا وظایف مشترک زن و مرد نسبت به هم مورد بررسی قرار می‌گیرد که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
 ۱- پنهان کردن اسرار و عیوب: در آیه‌ی (أَحْلَلْ لَكُمْ لَيْلَةَ الصَّيَامِ الرَّفَثُ إِلَىٰ نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ ...)؛ (بقره/۱۸۷) «آمیزش جنسی با همسرانتان، در شب‌رویهایی که روزه می‌گیرید، حلال است. آنها لباس شما هستند؛ و شما لباس آنها ...» کلمه‌ی «لباس» وظایف مشترکی را برای زن مرد ترسیم می‌کند؛ «لباس از یک سو انسان را از سرما و گرما و خطر برخورد اشیاء به بدن حفظ می‌کند، و از سوی دیگر عیوب او را می‌پوشاند، و از سوی سوم زینت است برای تن آدمی؛ پس دو همسر نیز باید یکدیگر را از انحرافات حفظ کنند، عیوب هم را بپوشانند، وسیله راحت و آرامش یکدیگر باشند، اسرار یکدیگر را حفظ کنند و زینت برای هم باشند؛» (یعنی زن و مرد جنبه‌های مثبت شخصیت یکدیگر را در میان خود و دیگران پررنگ جلوه دهند.) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱/ص ۶۵۰).

۲- گذشت: در آیاتی در روابط مومنان نسبت به هم بیان شده که از آن جمله می‌توان به آیه‌ی زیر اشاره کرد: (...إِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ) (شوری/۳۷) «... هنگامی که خشمگین شوند عفو می‌کنند.» نه تنها در موقع غضب زمام اختیار از کفشان ربوده نمی‌شود، و دست به اعمال زشت و جنایات نمی‌زنند، بلکه با آب عفو و غفران قلب خود و دیگران را از کینه‌ها شستشو می‌دهند و این صفتی است که جز در پرتو ایمان راستین و توکل بر حق پیدا نمی‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲/ص ۴۶۰) در روایتی از امام صادق ۷ آمده است: «بهترین زنان، کسی است که هرگاه شوهر او را به خشم آورد یا او شوهر را به خشم آورد، به شوهرش بگوید در حالی که دست او را در دست دارد: تا تو از من راضی نشوی، خواب به چشمان من نخواهد آمد»^(۴) (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ج ۳/ص ۳۸۹/باب مایستحب/

۱. «أَقْرَبُكُمْ مِنِّي مَجْلِسًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ - أَحْسَنُكُمْ خُلُقًا وَ خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ.» این روایت در جایی دیگر به نقل از امام رضا ۷ آمده است (منسوب به امام رضا(الف)، ۱۴۰۶، ص ۶۷).

۲. «أَحْسَنُ النَّاسِ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا وَ أَلْطَفُهُمْ بِأَهْلِهِ وَ أَنَا أَلْطَفُكُمْ بِأَهْلِي»

۳. «مَنْ فَرَّجَ عَنْ مُؤْمِنٍ فَرَّجَ اللَّهُ عَنْ قَلْبِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.»

۴. «خَيْرُ نِسَائِكُمُ الَّتِي إِنْ غَضِبَتْ أَوْ أَغْضَبَتْ قَالَتْ لِرَوْجِهَا يَدِي فِي يَدِكَ لَا أَكْتَجِلُ بِغَمَضٍ حَتَّى تَرْضَى عَنِّي.»

حدیث (۴۳۶۷).

۳- مشورت: در آیهی (... وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ ...)؛ (شوری/۳۸) «... و کارهایشان به صورت مشورت در میان آنهاست...» مومنان را توصیه به مشورت با یکدیگر می‌کند. بدون مشورت همه کارها ناقص است، یک انسان هر قدر از نظر فکری نیرومند باشد نسبت به مسائل مختلف تنها از یک یا چند بعد می‌نگرد، و لذا ابعاد دیگر بر او مجهول می‌ماند، اما هنگام مشورت، عقلها و تجارب و دیدگاه‌های مختلف به کمک هم می‌شتابند، مسائل کاملاً پخته و کم عیب و نقص می‌گردد، و از لغزش دورتر است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲۰/ص ۴۶۲).

-وظایف مرد نسبت به زن: برخی از وظایف مرد نسبت به زن عبارت است از:

۱- سرپرستی، مدیریت و تأمین مخارج خانواده: با توجه به آیهی (الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ ...) (نساء/۳۴) « مردان، سرپرست و نگهدار زنانند، بخاطر برتریهایی که خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است، و به خاطر انفاقهایی که از اموالشان (در مورد زنان) می‌کنند... » متوجه می‌شویم که قرآن کریم سرپرستی را به عهده‌ی مرد در خانواده قرار داده است. در قسمت اول می‌فرماید: "این سرپرستی به خاطر تفاوتی است که خداوند از نظر آفرینش، روی مصلحت نوع بشر میان آنها قرار داده" در قسمت آخر می‌فرماید: "و نیز این سرپرستی به خاطر تعهداتی است که مردان در مورد انفاق کردن و پرداختهای مالی در برابر زنان و خانواده به عهده دارند". باید توجه داشت که خانواده یک واحد کوچک اجتماعی است و همانند یک اجتماع بزرگ باید رهبر و سرپرست واحدی داشته باشد، در نتیجه مرد یا زن یکی باید "رئیس" خانواده و دیگری "معاون" و تحت نظارت او باشد، قرآن در اینجا تصریح می‌کند که مقام سرپرستی باید به مرد داده شود و این موقعیت به خاطر وجود خصوصیتی در مرد است مانند ترجیح قدرت تفکر او بر نیروی عاطفه و احساسات و دیگری داشتن بنیه و نیروی جسمی بیشتر که با اولی بتواند بیندیشد و نقشه طرح کند و با دومی بتواند از حریم خانواده خود دفاع نماید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۳/ص ۳۷۱).

۲- محبت و مدارا کردن: در اسلام سفارش زیادی به محبت و مدارا کردن نسبت به زنان شده است که از آن جمله می‌توان به روایت امام علی ۷ اشاره کرد: «... زن ریحانه است نه قهرمان، پس در هر صورت با او مدارا کن و با وی معاشرت نیکو داشته باش که زندگی ات صفا و صمیمیت پیدا می‌کند.»^(۱) (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ج ۳/ص ۵۵۶/باب النوادر/حدیث ۴۹۱۱)

-وظایف زن نسبت به مرد: زن نیز نسبت به مرد وظایفی دارد که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- اطاعت از شوهر و تمکین: از جمله وظایف زن، اطاعت از همسر است که در روایتی از پیامبر ۶، از جمله ویژگی‌های بهترین زنان، اطاعت از همسر و برآورده ساختن نیازهای جنسی او معرفی شده است^(۲) (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ج ۳/ص ۳۸۹/باب مایستحب/

۱. قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ 7 فِي وَصِيَّتِهِ لِابْنِهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنَفِيَّةِ: «... إِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ فَدَارِهَا عَلَى كُلِّ حَالٍ وَ أَحْسَنُ الصُّحْبَةِ لَهَا لِيَصْفُوَ عَيْشُكَ...» در نهج البلاغه همین مضمون با اندکی تفاوت در نامه‌ی امام علی ۷ به امام حسن 7 آمده است: «... وَ لَا تَمْلِكِ الْمَرْأَةُ مِنْ أَرْحَامِهَا مَا جَاوَزَ نَفْسَهَا فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ وَ لَا تَعُدْ بِكَرَامَتِهَا نَفْسَهَا...»؛ «اموری که در خور توان زنان نیست به دستشان مسپار، زیرا زن گلی است ظریف نه خادم و کار پرداز و احترامش را در حدّ خودش مراعات کن...» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴: ص ۴۰۵/نامه ۳۱).

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ 6 أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِخَيْرِ نِسَائِكُمْ قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ فَأَخْبَرَنَا قَالَ إِنْ مِنْ خَيْرِ نِسَائِكُمْ... الَّتِي تَسْمَعُ قَوْلَهُ وَ تُطِيعُ أَمْرَهُ إِذَا خَلَا بِهَا بَدَلَتْ لَهُ مَا أَرَادَ مِنْهَا وَ لَمْ تَبْدَلْ لَهُ تَبْدُلَ الرَّجُلِ. رسول خدا 6 فرمودند: آیا برایتان بگویم بهترین زنان شما کدامند؟ اصحاب عرض کردند بفرمائید، حضرت فرمود: از بهترین زنان شما آن زنی است که... گوش به سخن شوی دهد و فرمانش را اطاعت کند، و چون در بستر روند خود را در اختیار همسر گذارد و مانند شوهر شوق و رغبت به همبستری نشان ندهد.

حدیث (۴۳۶۷). در روایتی دیگر از آن حضرت به اطاعت از همسر و اجازه گرفتن از او هنگام خروج از منزل اشاره شده است^(۱) (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۵/ص ۵۰۷/باب حق الزوج/حدیث ۱).

۲- زینت برای همسر و پاکدامنی در اجتماع: در روایتی از پیامبر ﷺ از جمله ویژگی‌های بهترین زنان، آرایش و زینت در مقابل همسر و پوشیدگی و پاکدامنی در مقابل دیگران معرفی شده است^(۲) (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ج ۳/ص ۳۸۹/باب مایستحب/حدیث ۴۳۶۷).

۳- مدیریت در خانه داری: زن براساس سنت اسلامی و وظیفه‌ی اخلاقی، بهتر است تا به تدبیر امور خانه بپردازد، در روایتی از نبی اکرم ﷺ نقل شده که فرمودند: «حق مرد بر زن این است که چراغ برایش برافروزد، و طعام خوب تهیه بیند، و تا در حیاط به استقبالش شتابد و به او خوش آمد گوید، و طشت و حوله آرد و دست او را بشوید و جز به واسطه علتی خود را از او منع ننماید»^(۳) (نوری، ۱۴۰۸: ج ۱۴/ص ۲۵۴/باب ۶۹).

ج- تعیین جایگاه فرزندان در خانواده: حق زن و فرزند تنها با تأمین هزینه زندگی و مسکن و تغذیه آنها حاصل نمی‌شود، مهمتر از آن تغذیه روح و جان آنها و به کار گرفتن اصول تعلیم و تربیت صحیح است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲۴/ص ۲۸۸) که در آیات قرآن به آن اشاره شده است^(۴). در خانواده‌ی اسلامی، فرزند به استقلال و آزادی فکری تشویق می‌شود، در عین حال والدین نوعی محرومیت و کنترل برای او اعمال می‌کنند. در این خانواده اظهار نظر و ارتباط کلامی و سمعی در تبادل کودک و والدین وجود دارد و صمیمیت و محبت به فرزند در آن در سطح بالایی است که در آیه‌ی «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»؛ (روم/۲۱) «و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان مودت و رحمت قرار داد؛ در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند!» به آن اشاره شده است (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۵: ص ۸۷۱). در آیات قرآن و روایات در تعاملی دو طرفه تکالیفی را برای والدین و تکالیفی را برای فرزندان معرفی می‌کند که عبارتند از:

- تکالیف والدین نسبت به فرزندان: در آیات قرآن به لزوم دوسال شیر دادن به فرزند و یا انتخاب دایه‌ی مناسب برای او اشاره شده است^(۵). در روایات برای تربیت صحیح اخلاقی فرزندان رعایت مواردی را لازم می‌دانند که از جمله‌ی آنها می‌توان به انتخاب نام نیکو

۱. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ 7 قَالَ: «جَاءَتْ امْرَأَةً إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا حَقُّ الزَّوْجِ عَلَيَّ الْمَرْأَةِ فَقَالَ لَهَا أَنْ تُطِيعَهُ وَلَا تُعْصِيَهُ وَلَا تَصَدَّقَ مِنْ بَيْتِهِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَلَا تَصُومَ تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِهِ وَلَا تَمْنَعَهُ نَفْسَهَا وَإِنْ كَانَتْ عَلَى ظَهْرٍ فَتَبَّ وَلَا تَخْرُجَ مِنْ بَيْتِهَا إِلَّا بِإِذْنِهِ وَإِنْ خَرَجَتْ مِنْ بَيْتِهَا بِغَيْرِ إِذْنِهِ لَعَنَتْهَا مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ وَمَلَائِكَةُ الْأَرْضِ وَمَلَائِكَةُ الْعُضْبِ وَمَلَائِكَةُ الرَّحْمَةِ حَتَّى تَرْجِعَ إِلَى بَيْتِهَا فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ أَعْظَمَ النَّاسَ حَقًّا عَلَيَّ الرَّجُلُ قَالَ وَاللَّهِ فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ أَعْظَمَ النَّاسَ حَقًّا عَلَيَّ الْمَرْأَةُ قَالَ رَوْجُهَا قَالَتْ فَمَا لِي عَلَيْهِ مِنَ الْحَقِّ مِثْلَ مَا لَهُ عَلَيَّ قَالَ لَا وَلَا مِنْ كُلِّ مِائَةٍ وَاحِدَةً قَالَ فَقَالَتْ وَالَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَا يَمْلِكُ رَقَبَتِي رَجُلٌ أَبَدًا».

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِخَيْرِ نِسَائِكُمْ قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ فَأَخْبَرْنَا قَالَ إِنَّ مِنْ خَيْرِ نِسَائِكُمُ الْوَلُودَ الْوَلُودَ السَّيِّرَةَ الْعَفِيفَةَ الْعَزِيزَةَ فِي أَهْلِهَا الذَّلِيلَةَ مَعَ بَعْلِهَا الْمُتَبَرِّجَةَ مَعَ زَوْجِهَا الْحَصَانَ مَعَ غَيْرِهِ الَّتِي تَسْمَعُ قَوْلَهُ وَتَطِيعُ أَمْرَهُ... رسول خدا ﷺ فرمودند: آیا برایتان بگویم بهترین زنان شما کدامند؟ اصحاب عرض کردند بفرمائید، حضرت فرمود: از بهترین زنان شما آن زنی است که پر فرزند و مهربان، پوشیده و پاکدامن بوده و ارزشش در خانواده خود بیش از ارزش او در خانه شوهرش باشد، و آرایش و زینت‌کننده خویش برای شویش و از غیر او محفوظ و پوشیده باشد، آن زنی که گوش به سخن شوی دهد و فرمانش را اطاعت کند، و ...

۳. عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ قَالَ: «حَقُّ الرَّجُلِ عَلَى الْمَرْأَةِ إِنْ آذَتْهُ السَّرَاجُ وَإِصْلَاحُ الطَّعَامِ وَأَنْ تَسْتَقْبِلَهُ عِنْدَ بَابِ بَيْتِهَا فَتُرْحَبَ وَأَنْ تُقَدِّمَ إِلَيْهِ الطَّسْتُ وَالْمِنْدِيلُ وَأَنْ تُؤَضِّنَهُ وَأَنْ لَا تَمْنَعَهُ نَفْسَهَا إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ»

۴. (بِأَيْهَا الدِّينَ آمَنُوا فَأَوْ أَنْفُسِكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غُلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ)؛ (تحریم/۶) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسانها و سنگهاست نگه دارید؛ آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سختگیرند و هرگز فرمان خدا را مخالفت نمی‌کنند و آنچه را فرمان داده شده‌اند (به طور کامل) اجرا می‌نمایند!»

۵. (وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنَمِّ الرِّضَاعَةَ...); (بقره/۲۳۳) «مادران، فرزندان خود را دو سال تمام، شیر می‌دهند. (این) برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند...»

برای فرزند^(۱) (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۶/ص ۱۹/باب الاسما.../حدیث ۱۰) لزوم تعلیم ارزش‌های دینی به فرزندان^(۲) (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱/ص ۲۱۴/باب ۶/حدیث ۱۶ و ۱۷) اشاره کرد.

- تکالیف فرزندان نسبت به والدین: در آیات قرآن درباره‌ی تکالیف فرزندان در قبال والدین، به نیکی به والدین و اطاعت از آنها جز در موارد گناه، توصیه شده است^(۳)؛ در بیان امام رضا ۷ نیز به این معنا اشاره شده است^(۴) (حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۶/ص ۱۵۵/باب وجوب الاتیان.../حدیث ۱۰)؛ و در جایی دیگر امام هشتم در بیانی زیبا می‌فرمایند: «اگر خداوند برای جلوگیری از رنجش پدر و مادر کلمه‌ای را کوتاه‌تر از «أف» می‌دانست، آن را در قرآن شریف می‌آورد»^(۵) (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۱/ص ۴۲/باب ۲/حدیث ۳). در آیات قرآن بر سخن گفتن با پدر و مادر در نهایت ادب و احترام، تواضع و فروتنی همراه با محبت و دعا برای آن‌ها در پیشگاه خداوند اشاره شده است.^(۶)

۴- نقد علم‌گرایی افراطی با توجه به آیات قرآن و روایات: تشویق به نگرش افراطی پیرامون علوم تجربی، جهت پر کردن خلأ حاصل از کنار گذاشته شدن معنویت ترویج می‌گردد. طرفداران مدرنیته تلاش می‌کنند تا علم را به عنوان یگانه وسیله‌ای که می‌تواند انسان را به سعادت برساند، معرفی می‌کنند. برای مثال در علوم پزشکی و بیولوژی، انتشار بسیاری از مقاله‌ها در سطح دنیا بی فایده بوده و بسیاری از آنها مقالاتی هستند که مشابهشان به سهولت یافت می‌شود (رائفی پور، ۱۳۸۸: ص ۱۲۷). با توجه به آیات و روایاتی که در ادامه می‌آید تشویق به فراگیری تمام علوم شده است، اما فراگیری، آموزش و عمل به علوم الهی مورد توجه ویژه قرار گرفته است. در روایتی از پیامبر ۶ توصیه به فراگیری تمام علوم از جمله علوم تجربی نیز شده است^(۷) (جیلانی، ۱۴۲۹: ج ۲/ص ۳۸۹/باب المؤمن و علاماته/ص ۳۷۴). در روایاتی از امام رضا ۷ نیز تشویق به فراگیری علم شده است^(۸) (طوسی، ۱۴۱۴: ص ۵۶۸/باب ۲۲/حدیث ۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱/ص ۱۶۸/باب ۱/حدیث ۱۷)، اما به نظر می‌رسد در روایاتی از پیامبر ۶ و امام صادق ۷ بیشتر تحصیل علوم

۱. قال الرضا ۷: «اسْتَحْسِنُوا أَسْمَاءَكُمْ فَإِنَّكُمْ تَدْعُونَ بِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ بَا فُلَانٌ بَنَ فُلَانٌ بَنَ فُلَانٌ لَا نُورَ لَكَ.» «نامهای خود را نیکو گردانید، زیرا در قیامت با همان نام خوانده می‌شود که‌ای فلان، فرزند فلان پر خیز و به سوی نور خود گام بردار و ای فلان، فرزند فلان پر خیز که نوری نداری.» «لَا يَدْخُلُ الْفَقْرُ بَيْتًا فِيهِ اسْمُ مُحَمَّدٍ أَوْ أَحْمَدَ أَوْ عَلِيٍّ أَوْ الْحَسَنِ أَوْ الْحُسَيْنِ أَوْ جَعْفَرَ أَوْ طَالِبٍ أَوْ عَبْدِ اللَّهِ أَوْ فَاطِمَةَ مِنَ النِّسَاءِ.» «در هر خانه‌ای که کسی به نام محمد، علی، حسن، حسین، جعفر، طالب، عبدالله و از زنان به نام فاطمه وجود داشته باشد، فقر و تنگدستی در آن خانه راه نخواهد یافت.»

۲. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ وَ أَبُو جَعْفَرٍ ۷: «لَوْ أُتِيتُ بِسَبَابٍ مِنْ سَبَابِ الشَّيْعَةِ لَا يَتَفَقَّهُ لَأَدَّبْتُهُ.» «اگر جوانی از جوانان شیعه را ببایم که عمیق اندیشی در دین نمی‌کند، او را ادب می‌کنم.»
 قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ۷: «لَوْ أُتِيتُ بِسَبَابٍ مِنْ سَبَابِ الشَّيْعَةِ لَا يَتَفَقَّهُ فِي الدِّينِ لَأَوْجَعْتُهُ.» «اگر جوانی از جوانان شیعه را ببایم که عمیق اندیشی در دین نمی‌کند، او را ادب می‌کنم.»

۳. (وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَإِنْ جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ)؛ (عنکبوت/۸) «ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند، و اگر آن دو (مشرك باشند و) تلاش کنند که برای من همتایی قائل شوی که به آن علم نداری، از آنها پیروی مکن! بازگشت شما به سوی من است، و شما را از آنچه انجام می‌دادید با خبر خواهم ساخت!»

۴. «وَبِرِّ الْوَالِدَيْنِ وَاجِبٌ وَإِنْ كَانَا مُشْرِكَيْنِ وَلَا طَاعَةَ لَهُمَا فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ وَلَا لِيُغَيِّرَهُمَا فَإِنَّهُ لَا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ.» «نیکی به پدر و مادر بر فرزند واجب است گرچه هر دو مشرك باشند و اطاعت مخلوق در معصیت خدا جایز نیست.»

۵. «لَوْ عَلِمَ اللَّهُ لَفِظَةً أَوْ جَزَّ فِي تَرْكِ عَقُوقِ الْوَالِدَيْنِ مِنْ أَفٍّ لَأَتَى بِهِ.»

۶. (وَ قَضَى رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٌّ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا) (وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا)؛ (اسرا/۲۳ و ۲۴)

۷. «اطلبوا العلم ولو بالصنن» «در جستجوی علم باشید اگرچه در چین باشد»

۸. «... إِنْ طَلَبَ الْعِلْمَ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ.» «... طلب علم برای هر مسلمانی واجب است.»
 «الْعِلْمُ ضَالَةٌ الْمُؤْمِنِ.» «علم گمشده‌ی مؤمن است.»

دینی ضروری معرفی شده است^(۱) (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱/ص ۱۷۱/باب ۱/حدیث ۲۴- ج ۱/ص ۲۱۴/باب ۶/حدیث ۱۸) و در روایتی دیگر از امام رضا ۷ علمی سودمند معرفی می‌شود که منجر به عمل شود^(۲) (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱/ص ۱۷۱/باب ۱/حدیث ۲۴). در آیات قرآن نیز بر ضرورت فراگیری و آموزش علوم و معارف الهی تأکید شده است^(۳) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۸/ص ۱۹۱)

۵- نقد ماده‌گرایی باتوجه به آیات و روایات: در خانواده‌ی مُدرن، اصل رسیدن به اهداف مادی است و سایر اهداف با توجه به آن شکل می‌گیرد، (سربخشی، ۱۳۸۸: ۱۹۴) اما در خانواده‌ی اسلامی، هدف رسیدن به معرفت الهی است و سایر اهداف بر مبنای آن شکل می‌گیرد^(۴) (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۸۰/۱۸). برای رسیدن به این هدف توجه به مسائلی ضرورت پیدا می‌کند که به شرح زیر است:

الف- حبّ دنیا و تلاش در دنیا برای وصول به سعادت اخروی: حبّ استقلالی دنیا از نظر عقل و شرع، مذموم است، کسی که زندگی دنیا را برای دنیا دوست دارد و خوشبختی خود را تنها در رسیدن به آرزوها و خواسته‌های دنیوی می‌پندارد، از این‌رو از خدا غافل شده و خود را به اسباب نیازمند پنداشته و آنها را موثر مستقل می‌داند، آن‌گاه دست‌گدایی به سوی اسباب آن آرزوها دراز کرده، به دنبال آنها می‌رود و از سرای آخرت، غافل یا منکر شده، هوای نفس را معبود خویش ساخته و از آلودگی به هر گناه و حرامی بی‌پروا شده؛ شادیش تنها در رسیدن به آرزوها و اندوهش از نرسیدن به آنهاست. (دستغیب (الف)، ۱۳۸۷: ۶۷۵-۶۸۱) در آیات قرآن نیز زندگی دنیا در مقابل حیات ابدی اخروی ناچیز معرفی شده است.^(۵)

اگر حب دنیا از این جهت باشد که با آنها می‌توان سعادت جاوید را تأمین کرد، پسندیده است، مثلاً همسر را دوست دارد از جهت اینکه به سبب او دینش محفوظ می‌ماند، نعمت الهی است که وسیله‌ی سکون و آرامش، بقای نسل و پیدایش فرزندان است. نشانه‌ی حب، دنیا برای آخرت این است که گناه را دوست نخواهد داشت و به دارایی کسی طمع و حسادت ندارد و از بخل، کبر، حرص و... در او اثری نخواهد بود (دستغیب (الف)، ۱۳۸۷: ۶۷۵-۶۸۱) که در آیات قرآن نیز درخواست نیکی در دنیا و آخرت امری پسندیده تلقی شده است.^(۶) پس ما مجبور به انتخاب دنیا یا آخرت نیستیم. دنیا ضد آخرت نیست. دنیا مزرعه آخرت است، پس برای آخرت باید کوشید و این کوشش در دنیا و اعمال دنیایی در راه خیر و صلاح خود فرد و هم‌نوعان است. مهمترین اعمال دنیایی، همان فعالیت اقتصادی برای رساندن خیر به خود و خیر به دیگران (مانند انفاق) است و هر کاری با نیت خیر عبادت است و هر کار اقتصادی نیز در جهت آخرت عبادت محسوب می‌شود (فیاض، ۱۳۹۲: ص ۱۷۴). در روایتی از امام علی ۷ دنیا محل سجود پیامبران خدا،

۱. قال رسول الله 6: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ فَاطْلُبُوا الْعِلْمَ فِي مَطَانِهِ وَ اقْتَسِمُوهُ مِنْ أَهْلِ الْحَدِيثِ.» «طلب علم برای هر مسلمانی واجب است پس علم را در طلب کنید و آن را از اهل حدیث بگیرید.»
۲. قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ 7 يَقُولُ: «تَفَقَّهُوا فِي دِينِ اللَّهِ وَلَا تَكُونُوا أَعْرَابًا فَإِنَّهُ مَنْ لَمْ يَتَّقَهُ فِي دِينِ اللَّهِ لَمْ يَنْظُرِ اللَّهُ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَمْ يَزُكْ لَهُ عَمَلًا.» «در دین الهی عمیق اندیشی کنید و همچون اعراب نباشید، پس هر کس در دین الهی تفقه نکند، خداوند در روز قیامت به او نگاه نمی‌کند و عملی را برای او نیکو نمی‌کند.»
۳. «... الْعِلْمُ إِمَامُ الْعَمَلِ وَالْعَمَلُ تَابِعُهُ يُلْهَمُهُ السُّعْدَاءُ وَيَحْرُمُهُ الْأَشْقِيَاءُ فَطُوبَى لِمَنْ لَمْ يَحْرَمْهُ اللَّهُ مِنْهُ حَظَّهُ.» «علم پیش روی عمل است و عمل تابع علم است که خداوند آن را به سعادت الهام می‌کند و آن را بر اشقیاء حرام می‌کند پس خوشا به حال کسی که خداوند ریش (حکمت) را بر او حرام نکند.»
۴. «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ.» (توبه/۱۲۲) «شایسته نیست مؤمنان همگی [برای جهاد] کوچ کنند. پس چرا از هر فرقه‌ای از آنان، دسته‌ای کوچ نمی‌کنند تا در دین آگاهی پیدا کنند و قوم خود را- وقتی به سوی آنان بازگشتند بیم دهند- باشد که آنان [از کفر الهی] بترسند.»
۵. «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ.» (ذاریات/۵۶)
۶. «فَمَا أَوْتِيْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَ أَلْبَقَى لِلدِّينِ أَمْثَلُ وَ عَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ.» (شوری/۳۶) «آنچه به شما عطا شده متاع زودگذر زندگی دنیاست، و آنچه نزد خداست برای کسانی که ایمان آورده و بر پروردگارشان توکل می‌کنند بهتر و پایدارتر است.» «أَرْضِيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْأَجْرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْأَجْرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ.» (توبه/۳۸) «(ای کسانی که از جهاد سر باز می‌زنید) آیا به زندگی دنیا در مقابل آخرت راضی شده‌اید، با اینکه متاع زندگی دنیا در برابر آخرت چیز اندکی است.»
۷. «وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْأَجْرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ.» (بقره/۲۰۱) «و بعضی می‌گویند: «پروردگارا! به ما در دنیا نیکی عطا کن! و در آخرت نیز نیکی مرحمت فرما! و ما را از عذاب آتش نگاه دار!»

فروده‌گاه وحی خدا، جایگاه نماز فرشتگان، تجارتخانه‌ی دوستان خدا و وسیله‌ی رسیدن به بهشت معرفی شده است^(۱) (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷/ص ۴۱۸/باب ۵۱/حدیث ۴۰). در روایتی دیگر امام علی ۷، داشتن خانه‌ی وسیع با انگیزه‌ی الهی را مورد تمجید قرار گرفته و می‌فرماید: «با این خانه وسیع در دنیا چه می‌کنی؟ در حالی که در آخرت به آن نیازمندتری. آری اگر بخواهی می‌توانی با همین خانه به آخرت برسی! در این خانه وسیع مهمانان را پذیرایی کنی، به خویشاوندان با نیکوکاری ببیونی، و حقوقی که بر گردن تو است به صاحبان حق برسانی، پس آنگاه تو با همین خانه وسیع به آخرت نیز می‌توانی پرداخت»^(۲) (نهج البلاغه، ۱۴۱۴: ص ۳۲۴/خطبه ۲۰۹).

امام رضا ۷ در باره‌ی تلاش برای پیشرفت اقتصادی خانواده می‌فرماید: «سزاوار است مرد غنی و متمکن به زندگی خانوادگی خود توسعه دهد و برای آنها رفاه و آسایش کافی فراهم نماید»^(۳) (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۴/ص ۱۱/باب کفایه.../حدیث ۳). امام هشتم در روایتی دیگر به اعتدال و میانه‌روی در مصرف توصیه می‌کنند که در ادامه به این روایات اشاره می‌شود.

ب- اعتدال و میانه‌روی در مصرف: کلمه "اسراف" کلمه بسیار جامعی است که هر گونه زیاده‌روی در کمیت و کیفیت و بیهوده‌گرایی و اتلاف و مانند آن را شامل می‌شود، و این روش قرآن است که به هنگام تشویق به استفاده کردن از مواهب آفرینش، فوراً جلو سوء استفاده را گرفته و به اعتدال توصیه می‌کند^(۴) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۶/ص ۱۴۹).

امام صادق ۷ در تعریف «اسراف» می‌فرماید: «در مصرف آنچه برای بدن مفید است، اسراف نیست، همانا اسراف در چیزی است که مال را تلف کند و به بدن ضرر بزند»^(۵) (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۴/ص ۵۴/باب فضل القصد/حدیث ۱۰) و در روایتی از امام رضا ۷ در باره‌ی میانه‌روی نقل شده که می‌فرماید: «نسبت به مصرف مال در باره‌ی خود و خانواده ات میانه‌رو باش) بدان که خداوند از اسراف و بخیلی اکراه دارد. خداوند متعال می‌فرماید: بندگانش شایسته کسانی هستند که به هنگام خرج، اسراف و بخل نوزند»^(۶) و در جایی دیگر می‌فرماید: «بر شماست به اعتدال در فقر و غنا و نیکی از کم و زیاد...»^(۷) (منسوب به امام رضا(ب)، ۱۴۰۶: ص ۳۳۸/باب ۸۹)؛ پس انسان نباید آن قدر فقیر باشد که به دیگران محتاج شود و نه آن قدر ثروتمند که نتواند از مالش انفاق کند و روز و شب به فکر جمع‌آوری مال باشد بلکه باید ساعاتی از روز را نیز به استراحت و تفریح اختصاص دهد.

ج- داشتن برنامه‌ریزی جامع در زندگی: امام رضا ۷ با تقسیم ساعت‌های روزانه، برنامه‌ریزی جامعی را ارائه می‌دهند که شامل ۱- مناجات با خدا، ۲- کار برای تأمین زندگی، ۳- معاشرت با دوستان معتمد، ۴- داشتن تفریح و استراحت سالم و بخش آخر را عامل

۱. «و مِنْ ذَلِكَ قَوْلُهُ 7 لِرَجُلٍ سَمِعَهُ يَذُمُّ الدُّنْيَا مِنْ غَيْرِ مَعْرِفَةٍ لِمَا يَحْتُ أَنْ يَقُولَ فِي مَعْنَاهَا الدُّنْيَا دَاؤُ صِدْقٍ لِمَنْ صَدَقَهَا وَ دَاؤُ عَافِيَةٍ لِمَنْ فَهَمَّ عَنْهَا وَ دَاؤُ غِنَى لِمَنْ تَزَوَّدَ مِنْهَا مَسْجِدَ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ مَهَبَطَ وَحْيِهِ وَ مُصَلَى مَلَائِكَتِهِ وَ مَشْجَرِ أَوْلِيَائِهِ أَكْتَسَبُوا فِيهَا الرَّحْمَةَ وَ رَبِحُوا فِيهَا الْجَنَّةَ فَمَنْ ذَا يَذُمُّهَا...» و از همین است سخن آن حضرت برای مردی که شنید دنیا را بدون شناختن بدگویی می‌کند، دنیا سرای راستی است برای کسی که آن را تصدیق کند، سرای عافیت است برای کسی که بفهمد، سرای دارائست برای کسی که توشه بر دارد، محل سجود پیامبران خداست، فروده‌گاه وحی خداست، جایگاه نماز فرشتگانست تجارتخانه‌ی دوستان خدا، بازگانی کردند در این دنیا رحمت را، سود بردند بهشت را، پس چه کس او را بدگویی می‌کند

۲. «مَا كُنْتُ تَصْنَعُ [بِسَعَةِ] بِسَعَةِ هَذِهِ الدَّارِ فِي الدُّنْيَا - [أَمَا] وَأَنْتَ إِلَيْهَا فِي الْآخِرَةِ كُنْتُ أَحْوَجَ وَ بَلَى إِنْ شِئْتَ بَلَغْتَ بِهَا الْآخِرَةَ تَقْرِي فِيهَا الضَّيْفَ وَ تَصِلُ فِيهَا الرَّحْمَ وَ تَطْلُعُ مِنْهَا الْحَقُوقَ مَطْلِعَهَا إِذَا أَنْتَ قَدْ بَلَغْتَ بِهَا الْآخِرَةَ»

۳. «يَنْبَغِي لِلرَّجُلِ أَنْ يُوسِّعَ عَلَى عِيَالِهِ لئَلَّا يَتَمَنَّوْا مَوْتَهُ.»

۴. (... وَ كَلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ)؛ (اعراف/۳۱) «... و (از نعمتهای الهی) بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست نمی‌دارد!»

۵. «... لَيْسَ فِيمَا أَصْلَحَ الْبَدَنِ إِسْرَافٌ إِنِّي رُبَّمَا أَمَرْتُ بِالتَّقْيِ فَيُلْتُ بِالرَّيْتِ فَاتَلَلْتُ بِهِ إِنَّمَا الْإِسْرَافُ فِيمَا أَفْسَدَ الْمَالَ وَ أَضَرَّ بِالْبَدَنِ...»

۶. (يقول استأذنت الرضا 7 في النفقة على العيال فقال بين المكروهين قال فقلت جعلت فداك لا والله ما أعراف المكروهين قال فقال بلى يرحمك الله أما تعرف أن الله عز وجل كره الإسراف و كره الإقتار فقال «و الذين إذا أنفقوا لم يسرفوا ولم يقتروا و كان بين ذلك قواما»).

۷. «و عَلَيْكُمْ بِالْقَصْدِ فِي الْغِنَى وَ الْفَقْرِ وَ الْبَرِّ مِنَ الْقَلِيلِ وَ الْكَثِيرِ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يُعْظِمُ شِقَّةَ الثَّمَرِ حَتَّى تَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَجَبَلٍ أُحُدٍ إِيَّاكُمْ وَ الْحِرْصَ وَ الْحَسَدَ فَإِنَّهُمَا أَهْلَكَا الْأُمَّمَ السَّافِلَةَ وَ إِيَّاكُمْ وَ الْبُخْلَ فَإِنَّهُ عَاهَةٌ لَا يَكُونُ فِي حَرْوٍ وَ لَا مُؤْمِنٍ إِنَّهُ خِلَافُ الْإِيمَانِ...»

تأمین نشاط و نیرو برای بخشهای دیگر معرفی می‌کنند^(۱) (منسوب به امام رضا (ب)، ۱۴۰۶: ص ۳۳۷/باب ۸۹)

د- تقسیم وظایف زن و مرد: در روایتی از امام صادق ۷ آمده: «علی ۷ و فاطمه (س) از رسول خدا ۶ درخواست کردند که کار خانه را بین آنان تقسیم کند. پیامبر ۶ انجام کارهای داخل منزل را به فاطمه (س) و کارهای بیرون از خانه را به عهده‌ی علی ۷ گذاشت. فاطمه (س) فرمود: جز خدا کسی نمی‌داند که چقدر مسرور شدم از اینکه پیامبر خدا ۶ مرا از وظایفی که بر عهده‌ی مردان است، معاف کرد^(۲) (حرعاملی، ۱۴۰۹: ج ۲۰/ص ۱۷۲/باب ۸۹/حدیث ۱). بنابراین بر طبق تعالیم اسلام، اگر ضرورتی وجود نداشته باشد، نیازی نیست که زن به کارهای بیرون از منزل بپردازد.

ه- لذت‌گرایی اعتدالی: خانواده‌ی مُدرن، عقاید دینی را غل و زنجیری می‌داند که مانع رسیدن فرد به لذت و آرامش می‌شود (سربخشی، ۱۳۸۸: ۲۲۴)؛ عقاید دینی غل و زنجیر نیست، بلکه شریعت برای پاره کردن غل و زنجیرها آمده است. در اسلام لذتهای مادی مشروع مورد توجه قرار گرفته است و کناره‌گیری از دنیا مورد نکوهش قرار گرفته است و توصیه به ترک لذتهای نامشروع به دلیل تبعات روحی و جسمی زیانبارش می‌باشد که در آیات و روایات به آن‌ها اشاره شده است:

- استفاده از خوردنی‌های پاک الهی: در آیه‌ی (یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا کُلُوا مِنْ طَیِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاکُمْ وَ اشکُرُوا لِلَّهِ اِنْ کُنْتُمْ اِیَّاهُ تَعْبُدُونَ)؛ (بقره/۱۷۲) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از نعمتهای پاکیزه‌ای که به شما روزی داده‌ایم، بخورید و شکر خدا را بجا آورید؛ اگر او را پرستش می‌کنید!» تکیه روی عنوان "طیب" همگان را متوجه این دستور اسلامی می‌کند که از غذاهای ناپاک، از گوشتهایی همچون گوشت مردار و درندگان و حشرات، و از مسکرات که به شدت در میان مردم آن زمان رواج داشت بپرهیزند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱/ص ۵۸۲). پس طبق آیات قرآن، انسان می‌تواند از خوردنی‌های پاک لذت ببرد، اما از برخی از خوردنی‌ها باید اجتناب کند، چرا که برای سلامتی جسم و روح او مضر است.

- استفاده از زینت‌ها: استفاده و لذت از تمام زینت‌ها و روزی‌های پاک، نه تنها مخالف شرع اسلام نیست، بلکه لزوم استفاده از آن مورد تأکید قرار گرفته است. تنها استفاده از رزق ناپاک ممنوع شده است و رزقی ناپاک معرفی می‌شود که از لحاظ جسمی و روحی برای انسان زیانبار باشد. در آیه‌ی (یا بَنی آدَمَ خُذُوا زینَتَکُمْ عِنْدَ کُلِّ مَسْجِدٍ...)؛ (اعراف/۳۱) «ای فرزندان آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد، با خود بردارید!...» منظور از «زینت» در این آیه، هم می‌تواند اشاره به "زینتهای جسمانی" باشد که شامل پوشیدن لباسهای مرتب و پاک و تمیز، و شانه زدن موها، و به کار بردن عطر و مانند آن می‌شود، و هم می‌تواند اشاره به "زینتهای معنوی"، یعنی صفات انسانی و ملکات اخلاقی و پاکی نیت و اخلاص باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۶/ص ۱۴۹). در آیه‌ی بعدی می‌گوید: (قُلْ مَنْ حَرَّمَ زینَةَ اللّٰهِ الَّتِیْ اُخْرِجَ لِعبَادِهِ وَ الطَّیِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ)؛ (اعراف/۳۲) «ای پیامبر بگو چه کسی زینتهای الهی را که برای بندگانش آفریده و همچنین مواهب و روزی‌های پاکیزه را تحریم کرده است» منظور از «طیب» عبارت است از مطلق چیزهایی که آدمی در زندگی و بقای خود از آنها استمداد می‌جوید، مانند مسکن، همسر و... برای تشخیص اینکه کدامیک از افراد این انواع "طیب" و مطابق با میل و

۱. « وَ اجْتَهَدُوا اَنْ یكونَ زَمَانُکُمْ اُزِیعَ سَاعَاتٍ مِنْهُ سَاعَةً لِمُنَاجَاةِہِ وَ سَاعَةً لِأَمْرِ الْمَعَاشِ وَ سَاعَةً لِمُعَاشِرَةِ الْاِخْوَانِ الثَّقَاتِ وَ الَّذِینَ یَعْرِفُونَکُمْ عِیُوبَکُمْ وَ یَخْلُصُونَ لَکُمْ فِی الْبَاطِنِ وَ سَاعَةً تَخْلُونَ فِیْهَا لِلذَّائِبِکُمْ وَ بِهَذِهِ السَّاعَةِ تَقْدِرُونَ عَلَی الثَّلَاثِ السَّاعَاتِ...» «... بکشید که بتوانید اوقات روزانه خود را به چهار بخش تقسیم کنید: بخشی را برای مناجات با خدا؛ بخشی را برای فعالیت و کسب و کار؛ بخشی برای معاشرت با دوستان معتمد که در باطن با شما مخلص و معتمد بوده و نواقص زندگی شما را به شما گوشزد کنند و بخش چهارم را برای استراحت و تفریح‌های سالم اختصاص بدهید تا بتوانید در سه بخش دیگر موفق باشید...»

۲. تَقَاضِی عَلِیٍّ وَ فَاطِمَةَ اِلَیَّ رَسُوْلُ اللّٰهِ ۶ فِی الْخِدْمَةِ فَفَضَّی عَلِیَّ فَاطِمَةَ ۷ بِخِدْمَتِهَا مَا دُونَ الْبَابِ وَ فَضَّی عَلِیَّ ۷ بِمَا خَلَّفَهُ قَالَ فَقَالَتْ فَاطِمَةُ فَا لَا یَعْلَمُ مَا دَخَلَنِی مِنَ السُّرُورِ اِلَّا اللّٰهُ بِاِکْفَانِی رَسُوْلُ اللّٰهِ ۶ تَحْمَلُ اَرْقَابَ الرَّجَالِ.

شهوت او و سازگار با وضع ساختمانی او است، خداوند او را مجهز به حواسی کرده که با آن می‌تواند سازگار آن را از ناسازگارش تمیز دهد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۸/ص ۱۰۰).

- تأمین نیاز جنسی: نیاز جنسی باید طبق شرع و قانون اسلامی توسط همسر تأمین شود و در روایات بسیاری بر لزوم تأمین نیاز جنسی که سرآمد لذت‌های مادی است، تأکید شده است. امام رضا ۷ در این باره می‌فرمایند: «سه چیز: عطر زدن، ناخن گرفتن، عمل زناشویی فراوان؛ از سنت پیامبران است»^(۱) (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵/ص ۳۲۰/باب حب النساء/حدیث ۳)؛ البته قید فراوانی عمل زناشویی به معنای افراط به حدی که غریزه جنسی همه‌ی زندگی را تحت الشعاع قرار دهد، نیست، زیرا در روایتی دیگر از پیامبر ۶ افراط در این زمینه عامل کاهش عمر معرفی شده است^(۲) (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ج ۳/ص ۵۵۵/باب التوادد/حدیث ۴۹۰۲) در حدیثی دیگر امام رضا ۷ مردی را که همبستری با همسرش را به دلیل غم و اندوه ناشی از مصیبت، ترک کرده بود، ترک همبستری بیش از سه ماه را ارتکاب به گناه تلقی کرده‌اند^(۳) (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ج ۳/ص ۴۰۵/باب الاوقات/حدیث ۴۴۱۵). به نظر می‌رسد اهمیت نیاز جنسی به این دلیل است که آرامش بخش بودن زن و شوهر نسبت به هم از مهم‌ترین عوامل تحکیم نهاد خانواده است.

- پرهیز از رهبانیت: در روایات رهبانیت و ترک ازدواج مذموم معرفی شده است. در این باره زنی از امام صادق ۷ سؤال کرد: من مبتله (یعنی وارسته و رهاشده از لذت‌های دنیوی) هستم. حضرت فرمود: مقصود از تبطل چیست؟ پاسخ داد تصمیم دارم هرگز ازدواج نکنم. امام فرمود: برای چه؟ گفت: برای رسیدن به مقام عالی فضیلت و کمال. حضرت فرمود: از این تصمیم منصرف شو. اگر ترک ازدواج ارزش معنوی در برمی‌داشت، حضرت زهرا(س) به درک این فضیلت از تو شایسته‌تر بود. چنین نیست که احدی در تحصیل ارزش‌ها بر وی پیشی بگیرد^(۴) (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۵/ص ۵۰۹/باب کراهیه التبطل/حدیث ۳).

نتیجه‌گیری

مدرنیته عبارت است از نوعی حالت و کیفیت، ویژگی و تجربه مدرن یا دوره مدرن، که بیانگر تازگی و نو بودن زمان حال به عنوان انقطاع از گذشته است، اما ویژگی مدرنیته این نیست که از هر چیز نو به خاطر نو بودنش استقبال می‌شود؛ چرا که در نظامهای سنتی هم، چنین واکنش کم و بیش وجود دارد؛ بلکه ویژگی مدرنیته فرض بازندیشی در همه چیز و انکار هر چیز سنتی است؛ این باز اندیشی همه‌ی عرصه‌های زندگی بشری را در بر می‌گیرد؛ در نتیجه هر چه رنگ و بوی سنتی دارد کنار گذاشته، و آنچه تازه است پذیرفته می‌شود. بدین صورت، دین و اخلاق دینی به منزله‌ی چیزی سنتی کنار می‌رود و دین‌های خودساخته و اخلاق سکولار جایگزین آن می‌شود. با توجه به گسترش وسایل ارتباط جمعی، افکار مدرنیسم به تدریج در افکار خانواده‌ها نفوذ می‌کند و مبانی فکری آن‌ها را تغییر می‌دهد، این مبانی که شامل فردگرایی و انزوای از جمع خانوادگی، علم‌گرایی و ماده‌گرایی می‌باشد، باعث تضعیف کارکردهای خانواده

۱. قَالَتْ مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ الْعَطْرُ وَأَخَذُ الشَّعْرَ وَكَثْرَةُ الطَّرِيقَةِ.

۲. «مَنْ أَرَادَ الْبَقَاءَ وَلَا بَقَاءَ فَلْيَبْأَكِرِ الْغَدَاءَ وَلْيُجَوِّدِ الْحَدَاءَ وَلْيُخَفِّفِ الرِّدَاءَ وَلْيَقِلِّ مَجَامِعَةَ النِّسَاءِ...»؛ «هر کس طول عمر می‌خواهد، طول عمر در... و کم بودن مجامعت با زنان است...»

۳. عَنِ الرَّجُلِ تَكُونُ عِنْدَهُ الْمَرْأَةُ الشَّابَّةَ فَيَمْسِكُ عَنْهَا الْأَشْهُرَ وَالسَّنَةَ لَا يَقْرُبُهَا لَيْسَ يُرِيدُ الْإِضْرَارَ بِهَا يَكُونُ لَهُمْ مُصِيبَةٌ يَكُونُ فِي ذَلِكَ آثِمًا قَالَ إِذَا تَرَكَهَا أَزْبَعَةَ أَشْهُرٍ كَانَ آثِمًا بَعْدَ ذَلِكَ إِلَّا أَنْ يَكُونَ بِإِذْنِهَا.

۴. دَخَلَتْ امْرَأَةٌ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ۷ فَقَالَتْ أَضَلَّكَ اللَّهُ إِنِّي امْرَأَةٌ مُبْتَلَةٌ فَقَالَ وَمَا التَّبْتُ قَالَ لَا أَتَزَوَّجُ قَالَ وَلِمَ قَالَتْ أَلْتَمِسُ بِذَلِكَ الْفَضْلَ فَقَالَ أَنْصَرِفِي فَلَوْ كَانَ ذَلِكَ فَضْلًا لَكَانَتْ فَاطِمَةُ ۳ أَحَقَّ بِهِ مِنْكَ إِنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ يَسْبِقُهَا إِلَى الْفَضْلِ.

شده است. پدر و مادر به‌ی‌ک ماشین پول‌ساز تبدیل شده‌اند و خواسته‌های فرزندان تمام‌شدنی نیست به این دلیل که هر فرد در خانواده امیال خود را محور قرار داده است و به منافع جمعی در خانواده توجهی ندارد؛ مصرف‌گرایی و لذت‌گرایی یا در برخی موارد توجه بیش‌ازحد به علوم تجربی تمام افکار آن‌ها را به خود مشغول کرده است و توجه به علوم دینی در حاشیه قرار گرفته است. فرهنگ مدرنیته فضایی آزاد و شاد را برای خانواده ترسیم کرده، ولی این تابلوی دل‌فریب دوامی ندارد و باعث تخریب نهاد خانواده می‌شود. در آیات و روایات خدامحوری به‌جای خودمحوری، اهمیت ویژه به فراگیری علوم الهی در کنار فراگیری علوم تجربی، معناگرایی به‌جای ماده‌گرایی، اعتدال در مصرف به‌جای مصرف‌گرایی، اعتدال در لذت به‌جای لذت‌گرایی را کلید رسیدن به سعادت خانواده معرفی می‌کند.

منابع

۱. قرآن کریم. ترجمه‌ی ناصر مکارم شیرازی. قم: دارالقرآن الکریم. چاپ دوم: ۱۳۷۳.
۲. نهج البلاغه (للصیحی صالح). شریف الرضی، محمد بن حسین. قم: هجرت. ۱۴۱۴ق.
۳. آربلاستر، آنتونی. ظهور و سقوط لیبرالیسم غرب. ترجمه عباس مخبر. تهران: مرکز. ۱۳۶۷.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی. من لایحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی. ۱۴۱۳ق.
۵. امام خمینی. شرح چهل حدیث. تهران: نشر آثار امام خمینی. چاپ چهلیم: ۱۳۸۶.
۶. بافکار، حسین. پدیده فرزندسالاری و رسانه. قم: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران. ۱۳۹۰.
۷. بروجردی، آقا حسین، جامع احادیث الشیعة. تهران: انتشارات فرهنگ سبز، ۱۳۸۶.
۸. تیلور، چارلز، مقاله سه معضل بنیادی جامعه مدرن، مجله سیاحت غرب، شماره ۲۹: آذر ۱۳۸۴.
۹. جوادی آملی، عبدالله. دین شناسی. قم: نشر اسرا. چاپ هفتم: ۱۳۸۷.
۱۰. جیلانی، رفیع الدین محمد بن محمد مؤمن. الذریعة إلى حافظ الشریعة. قم: دارالحدیث. ۱۴۲۹ق.
۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن. وسائل الشیعة. قم: مؤسسه آل البيت. ۱۴۰۹ق.
۱۲. دستغیب، عبدالحسین. گناهان کبیره. قم: دارالکتاب. چاپ دوازدهم: ۱۳۸۷.
۱۳. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه. روانشناسی رشد (۲). تهران: سمت. ۱۳۷۵: چاپ دوم.
۱۴. رودگر، نرجس. فمینیسم. قم: حوزه علمیه خاوران. ۱۳۸۸.
۱۵. رائفی پور، علی اکبر. مقاله «فراماسونری، دجال آخرالزمان». شهریور ۱۳۸۸. www.alvadosadegh.ir
۱۶. سربخشی، محمد. اخلاق سکولار. قم: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی. ۱۳۸۸.
۱۷. سروی زرگر، محمد. مقاله «نشانه شناسی بازنمایی خانواده در آگهی های بازرگانی تلویزیون» پژوهشهای ارتباطی. شماره ۳: پاییز ۱۳۹۰.
۱۸. شاکرین، حمیدرضا. سکولاریسم. جلد اول. تهران: کانون اندیشه جوان. ۱۳۸۴.
۱۹. طباطبایی، محمدحسین. المیزان فی تفسیر القرآن. ترجمه‌ی محمدباقر موسوی همدانی، قم: انتشارات اسلامی، چاپ چهاردهم: ۱۳۷۴.
۲۰. طوسی، محمد بن حسن. الأمالی. قم: دارالثقافة. ۱۴۱۴ق.
۲۱. عمید، حسن. فرهنگ فارسی عمید. تهران: سپهر. چاپ سوم: ۱۳۶۰.
۲۲. فیاض، ابراهیم. مهندسی فرهنگ عمومی. تهران: کتاب نشر. چاپ اول: ۱۳۹۲.
۲۳. قدردان قراملکی، محمدحسن. سکولاریزم در مسیحیت و اسلام. قم: حوزه علمیه قم. چاپ اول: ۱۳۷۹.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب. الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه. ۱۴۰۷ق.
۲۵. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. بحالانوار. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی. ۱۴۰۳ق.
۲۶. مریجی، شمس الله. سکولاریسم. قم: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی. ۱۳۸۲.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه. چاپ اول: ۱۳۷۴.
۲۸. مهدوی، محمدصادق. خوانش انتقادی اشتغال زنان. حوراء: شماره ۸. پاییز ۱۳۹۱.
۲۹. منسوب به امام رضا (الف). الصحیفة الامام الرضا. مشهد: کنگره جهانی امام رضا ۷. ۱۴۰۶ق.
۳۰. منسوب به امام رضا (ب). الفقه المنسوب إلى الامام الرضا. مشهد: مؤسسه آل البيت. ۱۴۰۶ق.
۳۱. نوری، حسین بن محمدتقی. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: آل البيت. ۱۴۰۸ق.